

پیشگفتاری بر چاپ آلمانی سال ۱۸۷۲

انجمن کمونیست^(۱)، مجمعی بین المللی از کارگران، که طبعاً در زمان خود بدلیل شرایط موجود، تنها می توانست مجمعی مخفی باشد، در کنگره ای که در نوامبر ۱۸۴۷ در لندن برگزار کرد، به امضاء کنندگان زیر مأموریت داد که برنامه ی تفصیلی نظری و عملی حزب را برای چاپ طرح ریزی کنند. چنین شد که نسخه ی اصلی بیانیه ی زیر بوجود آمد؛ دستنویس بیانیه به لندن فرستاده شد و چند هفته پیش از انقلاب فوریه^(۲) منتشر گردید. این بیانیه که نخست به زبان آلمانی انتشار یافت، دستکم دوازده چاپ مختلف در آلمان، انگلستان، و آمریکا، در همان زبان آلمانی بخود دیده است. در زبان انگلیسی، نخستین بار در سال ۱۸۵۰ در نشریه ی جمهوری خواه سرخ^(۳) در لندن، به ترجمه ی خانم هلن مکفرلین*، و در سال ۱۸۷۱ دستکم در سه ترجمه ی مختلف، در آمریکا منتشر شد. متن فرانسوی آن نخست در پاریس، اندک زمانی پیش از قیام ژوئن ۱۸۴۸^(۴)، چاپ شد، و اخیراً نیز در نشریه ی سوسیالیست^(۵)، چاپ نیویورک انتشار یافت. ترجمه ی جدیدی در دست تهیه است. متن لهستانی آن، در لندن، کوتاه زمانی پس از چاپ اول متن آلمانی، منتشر شد. ترجمه ی روسی آن در ژنو در دهه ی شصت منتشر شد. اندکی پس از نخستین چاپ، بیانیه بزبان دانمارکی نیز ترجمه گردید.

شرایط امور هر اندازه هم که در طول بیست و پنج سال گذشته تغییر یافته باشد، اصول کلی مندرج در بیانیه، روی هم، امروز همانقدر صحت دارد که کماکان داشته است. شاید اینجا و آنجا بیانیه نیاز به حک و اصلاح داشت. کاربرد عملی اصول بیانیه، به همانگونه که خود بیانیه می گوید، در همه جا و در همه زمان ها بستگی به شرایط تاریخی موجود در آن زمان خاص دارد، و به همین دلیل در مورد اقدامات انقلاب پیشنهاده شده در پایان بخش دوم هیچگونه تأکیدی ویژه نمی توان کرد. امروز

* Helen Macfarlane

می شد آن بخش را از لحاظ های بسیار بصورتی دیگر تحریر کرد. با در نظر گرفتن قدمهای عظیم صنعت جدید در بیست و پنج سال گذشته، و توأم با آن، بسط و گسترش سازمان حزبی طبقه ی کارگر، با در نظر گرفتن تجربه ی عملی حاصله از، اولاً انقلاب فوریه، و از آن بالاتر کمون پاریس^(۷) که در آن پرولتاریا قدرت سیاسی را برای نخستین بار و به مدت دو ماه بدست گرفت، این برنامه در بعض جزئیات کهنه شده است. کمون علی الخصوص یک چیز را به ثبوت رساند و آن اینکه: "طبقه کارگر نمی تواند بسادگ دستگاه دولتی آماده را به چنگ آورده، از آن برای تحقق هدف های خود استفاده کند". (رجوع کنید به جنگ داخل در فرانسه؛ خطابه شورای عمومی مجمع بین المللی کارگران، لندن، ترولاول، ۱۸۷۱، صفحه ی ۱۵ که در آن این نکته با توضیح بیشتر بیان شده است). علاوه بر این، بدیهی است که نقد ادبیات سوسیالیستی در رابطه با زمان حاضر ناقص است، چرا که این نقد و انتقاد فقط تا سال ۱۸۴۷ را در بر می گیرد؛ و نیز اظهارات مربوط به مناسبات کمونیست ها با احزاب مختلف اپوزیسیون (بخش چهارم) گرچه در اصل هنوز درست است، لکن از دیدگاه عملی کهنه شده است، چرا که تاریخ طومار بخش عظیم آن احزاب سیاسی را که در آنجا نامشان برده شده، از بسط زمین در نور دیده است.

لکن، بیانیته بدل به سندی تاریخی شده است که دیگر ما را حق تغییر دادن آن نیست. شاید در یکی از چاپ ها بعدی مقدمه ای فراهم آید که شکاف بین ۱۸۴۷ و زمان حاضر را پل بزند. چاپ مجدد حاضر غیرمترقبه تر از آن بود که وقت کافی جهت انجام اینکار در اختیار ما بگذارد.

کارل مارکس - فردریک انگلس

لندن، ۲۴ ژوئن ۱۸۷۲

نوشته مارکس و انگلس برای چاپ آلمانی که در سال ۱۸۷۲ در لایپزیگ منتشر

شد.